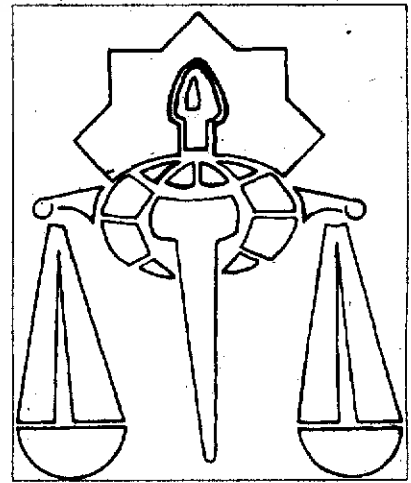


# مبانی حقوقی اسلام و حقوق مدون ایران

## جایگاه رفیع و قانونی مؤسسه دآوری در فق و



قسمت دوم

### مؤسسه دآوری در حقوق ایران

مؤسسه در لغت به معنی: «بنگاه، تجارتخانه، اداره یا ساختمان محل تدریس علوم»<sup>(۱)</sup> آمده. ریشه آن، «أس» یعنی: «اساس، شالوده و ابتدای هر چیزی»<sup>(۲)</sup> و یا «بنیاد، شالوده و پایه»<sup>(۳)</sup> می باشد. ترکیباتی نظیر «اساسنامه» و «اساسی» نیز از ریشه «أس» گرفته شده اند، در «ترمینولوژی حقوق»، در تعریف «اساسنامه» آمده است که: «لغت اساسنامه در زبان فارسی، در مورد جمعیت‌های خصوصی به کار رفته است و قانون اساسی را مصداق اساسنامه قرار نداده اند، مقررات یا قراردادی که برای طرز کار یک جمعیت (در حقوق عمومی یا خصوصی) مقرر و معین می شود، مانند «قانون اساسی و اساسنامه شرکت‌های تجاری و انجمن‌ها» را می توان به این کلمه اشاره و یا اطلاق نمود.»<sup>(۴)</sup>

### مؤسسه اشخاص حقوقی:

مؤسسات حقوقی، با ایجاد شخصیت‌های حقوقی و به رسمیت شناخته شدن آنها از طرف قانونگذار، با به عرصه فعالیت‌های حقوقی می گذارند. بنابراین - چه در حقوق عمومی و چه در حقوق خصوصی - قانونگذار با قبول شخصیت حقوقی و بوسیله ثبت آنها در مراکز و مراجع مسؤول و ذیصلاح، امکان عملی پیدایش مؤسسات حقوقی را در قالب‌های مختلف فراهم می آورد. یکی از موارد اختلاف بین حقوق عمومی و خصوصی در تشخیص مؤسسات حقوقی «معیار شخصی و سازمانی» هر یک از آنان بوده و می باشد.

مؤسسات حقوقی وابسته به

شخصیت حقوقی حقوق عمومی: «ساخته شده دولت و در شمار سازمان‌های عمومی است که به کارهایی پرداخته اند که جنبه سودجویی دارند نه اجرای حاکمیت عمومی و همه پذیرفته اند که مؤسسات دولتی در این گونه امور از امتیازهای مربوط به حقوق عمومی بهره مند نیستند»<sup>(۵)</sup> ولی مؤسسات وابسته به شخصیت حقوقی (حقوق خصوصی) نیز می توانند عهده دار امور عمومی شوند: «بر عکس، بعضی از شخصیت‌های حقوقی که جنبه خصوصی دارند عهده دار امور عمومی شده اند: یعنی در انجام خدمات عمومی با دولت همکاری می کنند»<sup>(۶)</sup> و قوانین کم و بیش اینگونه مؤسسات را نیز از امتیازهای مربوط به حقوق عمومی برخوردار کرده است»<sup>(۷)</sup>

### تعریف و ماهیت شخص حقوقی:

«شخصیت» عبارت از قابلیت است در انسان، تا در جامعه بتواند دارای تکلیف و حق گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید. بنابراین در اصطلاح علم حقوق، شخص حقوقی به کسی گفته می شود که بتواند دارای حق گردد و عهده دار تکلیف شود و بتواند آن را اجرا نماید. همچنین، «شخص» بر دو قسم است:

۱- «شخص طبیعی»؛ که آن را «حقیقی» و «عادی» نیز گویند.

۲- «شخص حقوقی»؛ که آن را «اخلاقی» نیز می نامند.»<sup>(۸)</sup>

بنابراین، شخصیت حقوقی موجودی اعتباری است که دارای حقوق و تکالیف است و زائیده قانون؛

«شخص حقوقی یا اعتباری یا

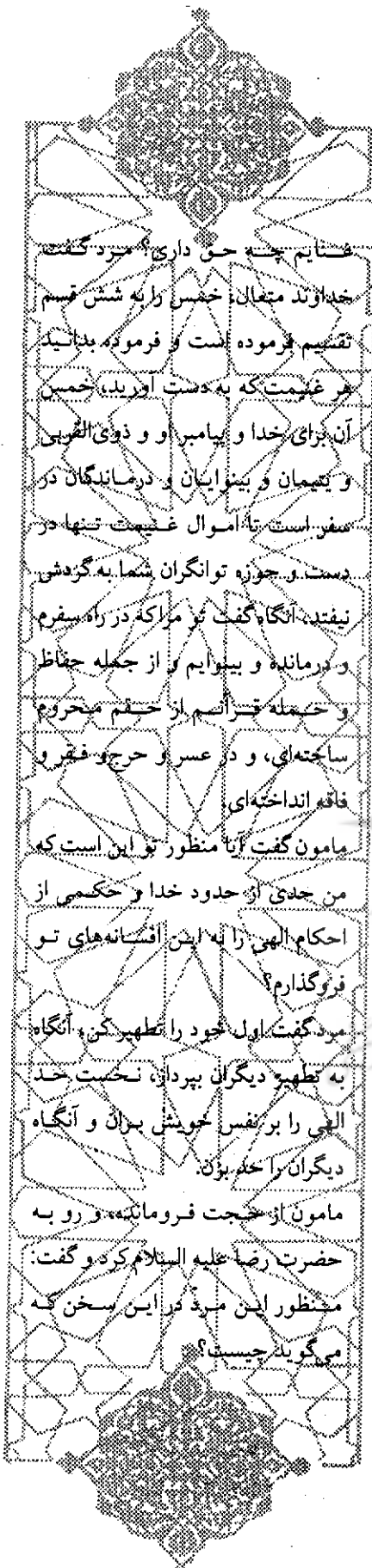
فرضی عبارت از دسته‌ای از افراد انسان یا مؤسسه‌ای از مؤسسات تجارتي یا خيريه و امثال آنهاست که قانون به آنها شخصیت می دهد یعنی برای آنها حقوق و تکالیفی شبیه به حقوق و تکالیف انسانی، تا آنجا که میسر است، قائل می شود»<sup>(۹)</sup> بدین ترتیب، مؤسسات حقوقی به عنوان جزئی از اشخاص حقوقی بوسیله اشخاص و با فرض قانونگذار بوجود می آیند و به موجب اساسنامه یا قانون، حقوق و وظایف خاصی دارند. قانونگذاری در شمول تسری اشخاص حقوقی به مؤسسات حقوق عمومی و خصوصی، ویژگیهای خاصی را در نظر می گیرد ولی به هر ترتیب، هر مؤسسه‌ای قابلیت شمول عنوان شخص حقوقی را به موجب قانون، دارا می باشد.

#### مؤسسه داوری و شخص حقوقی:

«مؤسسه داوری» یک شخص حقوقی است همانند سایر مؤسسات حقوق عمومی یا خصوصی که دارای موجودیت حقوقی و قانونی می باشند. برابر ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع، فقط انسان ممکن است دارای آن باشد؛ مانند حقوق و وظایف ابوت، نبوت و امثال ذلک». و یا در ماده ۵۸۹ همین قانون آمده است که تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته می شود. «... در جامعه‌های متمدن، قبول شخصیت یعنی قبول حقوق و تکالیف برای

جمعیتها و مؤسساتی که انسان ایجاد می نماید، ضروری است. و به همین دلیل امروزه در حقوق تمام کشورها توجه مخصوصی به شخص حقوقی می شود و در قوانین، مقام مهمی برای آن قائل هستند به طوری که در قانون مدنی اسپانیا مصوب ۱۸۶۹، یک فصل تمام از قانون مخصوص شخص حقوقی است. در قانون مدنی آلمان مصوب ۱۹۰۰<sup>(۱۰)</sup> و قانون مدنی سوئیس<sup>(۱۱)</sup> و قانون تجارت ایران [تیز]،<sup>(۱۲)</sup> بابی کامل به شخص حقوقی اختصاص یافته است»<sup>(۱۳)</sup>

بنابراین، جایگاه قانون مؤسسات داوری در باب پانزدهم قانون تجارت در دو فصل و ۹ ماده، تحت عنوان عام و کلی شخصیت حقوقی، تعریف و تبیین شده است. شخصیت حقوقی مؤسسات غیر تجاری (مانند مؤسسه داوری) برابر ماده ۵۸۴ قانون تجارت، از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی است که وزارت عدلیه معین خواهد کرد: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند، از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد، شخصیت حقوقی پیدا می کنند». مؤسسات داوری عمدتاً جهت سازماندهی امر داوری شکل می گیرند: «در مورد داوری سازمانی؛ مؤسسه‌ای است [است] که قواعد داوری را تنظیم می کند و نه تنها خدمات اداری مورد لزوم را تدارک می نماید بلکه بر اجرای قواعد آن نیز نظارت می کند...»<sup>(۱۴)</sup> مؤسسات داوری در ترویج و گسترش داوری نقش بسیار مهمی دارند و بنابراین، نادیده گرفتن



فستایم چنه حق داری؟ میزد گشت  
خداوند متعال: خمس را به شش قسم  
تقسیم فرموده است و فرموده بدانید  
هر غنیمت که به دست آورید، خمس  
آن برای خدا و پیامبر او و ذوی القربین  
و یتیمان و بینوایان و درماندگان در  
سفر است تا اموال غنیمت تنها در  
دست و چوره توانگران شما به گردش  
نیفتد. آنگاه گفت تو مرا که در راه سفرم  
و درمانده و بیسویم از از جمله حفاظ  
و حمله ترانسیم از حقم محروم  
ساخته‌ای، و در عسر و حرج و فقر و  
فاقه انداخته‌ای  
مامون گفت آری منظور تو این است که  
من جدی از حدود خدا و حکمی از  
احکام الهی را به این افسانه‌های تو  
فرگذارم؟  
مرد گفت اول خود را تطهیر کن و آنگاه  
به طهر دیگران بپرداز، نخست حد  
الهی را بر نفس خویش بران و آنگاه  
دیگران را ختم بزن.  
مامون از حجت فرومانده و رو به  
حضرت رضا علیه السلام کرد و گفت:  
منظور این مرد از این سخن که  
می گوید چیست؟

اهمیت آنها به معنی بی اعتبار شمردن قواعد پذیرفته شده و بین المللی داوری است. مضافاً بر اینکه، قریب هفتاد و سه حدیث و روایت از ائمه معصومین (علیهم السلام) در راستای آیات قرآن، در منابع معتبر وجود دارد مبنی بر اینکه امر داوری نیز، سنت پیامبر اسلام (ص) می باشد. «مهمترین مؤسسه داوری بین المللی، اتاق بازرگانی بین المللی است که از یک دادگاه داوری و یک دبیرخانه دائمی تشکیل شده که بر هر داوری نظارت می نمایند»<sup>(۱۵)</sup> اما عملکرد مؤسسات داوری تنها دخالت در امور تجاری نیست بلکه کلیه روابط حقوقی را (به استثنای اموری که برابر قانون از شمول داوری خارج است) در بر می گیرد: «... به هر حال هر مؤسسه داوری می تواند به عنوان مرجع انتصابی Appointing authority عمل نماید و به طرفین دعوی در مورد چگونگی نصب داور و رسیدگی به اعتراضات در این زمینه کمک کند»<sup>(۱۶)</sup> اما مهم این است که با وجود تنوع مؤسسات داوری و رسمیت یافتن اشخاص حقوقی داوری و قواعد داوری متعدد بین المللی، باز هم بتوان در وجود این مؤسسات تشکیک نمود. در حقیقت، تشکیک در رسمیت مؤسسات داوری، به معنی نپذیرفتن جایگاه قانونی آنها در ساختار حقوقی کشور و بی اعتنایی به امر مقدس داوری است: «... تعداد زیادی از سازمانهای داوری و قواعد داوری وجود دارند که حوزه عمل آنها از لحاظ جغرافیایی محدود است؛ مانند: «قواعد داوری کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا

مورخ ۱۹۶۶»، «قواعد داوری بازرگانی بین المللی کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور مورخ ۱۹۶۶»، «قواعد متحدالشکل آیین رسیدگی در دادگاههای داوری اتاقهای کشورهای عضو شورای همپاری اقتصادی، مورخ ۱۹۷۴»، «قواعد انجمن داوری آمریکا»، «قواعد داوری بین کشورهای آمریکایی»... البته کمیسیون داوری سازمانهای حرفه ای دیگری هم هستند که قواعد داوری مخصوص خود را تصویب کرده اند.<sup>(۱۷)</sup> بدین ترتیب، قواعد داوری امری معمول در روابط حقوقی داخلی و بین المللی است و با توجه به قبول نهاد

شخصیت عبارت از قابلیت است در انسان، تا در جامعه بتواند دارای تکلیف و حق گردد و آن را با واسطه یا بدون واسطه اجرا نماید. بنابراین در اصطلاح علم حقوق، شخص حقوقی به کسی گفته می شود که بتواند دارای حقوق گسردده و مسوده دار تکلیف شود و بتواند آن را اجرا نماید.

داوری در سیستم مدون حقوقی همه کشورها، و به رسمیت شناخته شدن اشخاص حقوقی (حقوق خصوصی) از طریق ثبت آنها؛ ضرورت وجود «مؤسسات داوری» نیز امری انکار ناپذیر است. لذا طرد و نفی آنها همانند انکار بدیهیات است.

### جایگاه قانونی مؤسسات داوری در حقوق ایران

حال با توجه به امر مقدس داوری و ضرورت احیای آن، لازم است که عناصر

و ارکان قانونی مؤسسات داوری را به شرح ذیل مطرح سازیم:

۱- قانون داوری تجاری بین المللی مشتمل بر نه فصل و سی و شش ماده، مصوب ۱۳۷۶/۶/۲۶ مجلس شورای اسلامی، در فصل اول - مقررات عمومی، در ماده ۱، تعاریف و قواعد تفسیر در بند «الف» مقرر می دارد که: داوری عبارت است از «رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه بوسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی» و در بند دوم از ماده ۶ همان قانون آمده است: «در داوریهای سازمانی، انجام وظایف مندرج در بندهای ۲ و ۳ ماده (۱۱) بند ۳ ماده (۱۳) و بند ۱ ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است». بنابراین، مجوز داوری به وسیله اشخاص حقوقی مرضی الطرفین در ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی پذیرفته شده است. ضرورت اجتناب ناپذیر قبول داوری مؤسسات داوری به شرح بند ۲ از ماده ۶ قانون داوری تجاری بین المللی با عنوان «داوریهای سازمانی» نیز، مؤید محکم و متقنی است بر اینکه با قبول نهاد داوری، و گسترش روابط اجتماعی و بخصوص با توجه به اهمیت روابط تجاری بین المللی، قانونگذار، داوری را محدود به اشخاص حقیقی ننموده و در نتیجه صرف نظر از ویژگی خاص قانون داوری تجارت بین المللی، تعریف قانونگذار از داوری، یک تعریف عام و کلی بوده و مقید به قیود خاص و ویژه ای نمی باشد. اهمیت داوری و وجود مؤسسات داوری بدین لحاظ است که امکان تشکیل

جلسات داورى، ابلاغ اوقات رسيدگى داوران، ايرادات در امر داورى، تشكيل جلسات مشاوره، صدور رأى و دفاع اصحاب دعوى در محل معين و مشخصى كه اقامتگاه قانونى مؤسسه داورى است؛ محقق مى شود. لذا، مزايای متعدد داورى اشخاص حقوقى باعث شده است كه داورىهاى موردى و ويژه كه متكى بر داورى اشخاص حقيقى است، بتدريج جايگاه خود را از دست دهند ولى داورىهاى اختصاصى و سازمانى مبتنى بر قواعد و قالبهاى مشخص و منجز حقوقى، اهميت سزاوار خود را بدست آورند تا ما نيز ديگر بيش از اين در جامعه، شاهد ورود خسارتها و صدمه هاى ناشى از دخالت اشخاص ناآگاه به مسائل حقوقى و داورى (دادرى) نباشيم .

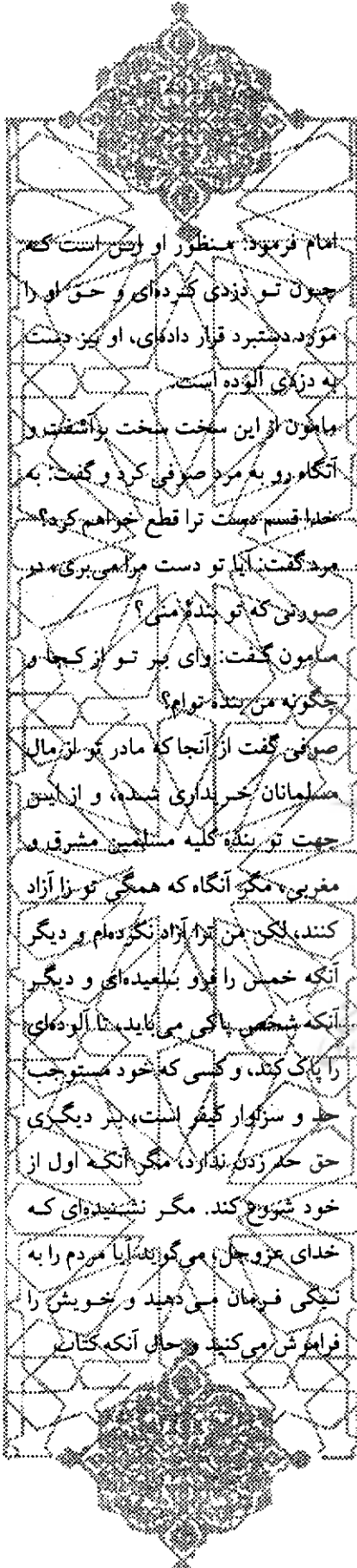
۲- آيين نامه اصلاحى ثبت تشكيلات و مؤسسات غير تجارى، نظر به مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۳۷، در ماده ۱ و تبصره آن اعلام مى دارد: «مقصود از تشكيلات و مؤسسات غير تجارى مذكور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت، كلييه تشكيلات و مؤسساتى است كه براى مقاصد غير تجارى از قبيل امور علمى يا ادبى يا امور خيريه و امثال آن، تشكيل مى شود اعم از آنكه مؤسسين و تشكيل دهندگان قصد انتفاع داشته يا نداشته باشند» (۱۸)

«تشكيلات و مؤسسات مزبور مى توانند عناوينى از قبيل انجمن كانون يا بنگاه و امثال آن اختيار نمايند ولى اتخاذ عناوينى كه اختصاص به تشكيلات دولتى و كشورى دارد، از طرف مؤسسات

مزبور ممكن نخواهد بود» (۱۹)

بدين ترتيب، قانونگذار با پذيرش مؤسسات و تشكيلات حقوق خصوصى و تنظيم چهارچوبهاى حقوقى براى فعاليت آنان، و در نظر گرفتن اراده آزاد و قانونى ايشان، شكل قانونمندانهاى بدانها داده است و بدين ترتيب، با وجود حاكميت قوانين و مقررات مذكور و رسميت يافتن كلييه مؤسسات حقوقى (حقوق خصوصى) در چهارچوب مقررات ثبت و پذيرش الزامات حقوقى ناشى از آن، گفتگو از فقدان قوانين مؤثر در ايجاد مؤسسات داورى و يا قانونى نبودن چنين مؤسساتى، تنها مؤيد بى اعتنايى به قوانين و مقررات جارى ذكر شده، است. لذا استنباطهاى ناقص و اظهار نظرهاى بدون تحقيق علمى و حقوقى، جاي تفحص بيشتري را براى جويندگان اصول فقهى و حقوقى در امر مقدس داورى باقى مى گذارد.

۳- قانون مدنى ايران به عنوان مادر، كه ارکان اساسى و نظم حقوقى جامعه را طراحى و مستقر ساخته است؛ اشخاص حقوقى را به رسميت شناخته است. در ماده ۱۲۴۷ قانون مدنى آمده است كه: «مدعى العموم مى تواند اعمال نظارت در امور مولى عليه را كلاً يا بعضاً به اشخاص موثق ياهيات يا مؤسسه واگذار نمايد. شخص ياهيات يا مؤسسه اى كه براى اعمال نظارت تعيين شده، در صورت تقصير يا خيانت مسؤول ضرر و خسارت وارده به مولى عليه خواهند بود». بدين ترتيب، اگر به صرف عنوان مؤسسه بسنده شود، عنصر قانونى مؤسسه در قوانين مدنى و ثبتى و تجارى



انام فرمود: منظور او اين است كه چون تو دزدى كرده اى و حق او را مزور دشتبرد قرار داده اى، او بيز دست به دزدى الوده است.

مايون از اين سخت سخت بواشتفتند و آنگاه رو به مرد صوفى كرد و گفت: به خدا قسم دست ترا قطع خواهيم كرد»

مرد گفت: آيا تو دست مرا هم ببرى؟

صوفى كه تو بند مى؟

مسامون گفت: اى پير تو از كجاى چگونه مى بنده توام؟

صوفى گفت از آنجا كه مادر تو از مال مسلمانان خريدارى شده، و از اين جهت تو بنده كليبه مسلمين مشرق و مغربى، مگر آنگاه كه همگى تو را آزاد كنند، ليكن من ترا آزاد نكردهام و ديگر آنكه خميس را فرو بليغيده اى و ديگر آنكه شخصى باقى مى بايد، تا الوده اى را پاك كند، و كسى كه خود مستوجب حد و سزوار گير است، بيز ديگرى حق حد زدن ندارد، مگر آنكه اول از خود شويى كند. مگر نشنيده اى كه خداى عزوجل، مى گويد: آيا مردم را به نيكي فرمان مى دهيد و خوبى را فراموش مى كنيد؟ حال آنكه كتاب

پذیرفته شده است. در قانون مدنی، مؤسسه یک شخص حقوقی است که در کنار اشخاص حقیقی (اشخاص مؤثقی) قرار می‌گیرد. در ماده مذکور، مؤسسه از طرف مقام قضایی دارای حق نظارت می‌باشد. تفویض اختیار نظارت از طرف مقام قضایی به یک شخص حقوقی در واقع جایگاه و موقعیت قانونی مؤسسات حقوقی را نیز تأکید می‌نماید.

۴- در قانون تجارت بعد از پذیرش اشخاص حقوقی از طریق ثبت آنها وبالطبع قبول مؤسسات و تشکیلات حقوقی حقوق خصوصی و تعیین شرایط ثبت مؤسسات مذکور در مواد ۵۸۳ تا ۵۹۱ قانون تجارت، دیگر جای هیچ شک و شبهه‌ای از نظر عنصر قانونی مؤسسات حقوقی از جمله مؤسسات داوری، وجود ندارد. این امر بویژه در حقوق تجارت، مورد قبول مؤکد قانونگذار قرار گرفته است تا بدانجا که در آخرین اراده قانونگذار در تجارت بین الملل، تحت عنوان «قانون داوری تجاری بین المللی» تبلور یافته است.

در جای جای قانون تجارت، مؤسسات حقوقی تجاری به رسمیت شناخته شده‌اند. پذیرش مؤسسات حقوقی تجاری، مالی و... در قانون تجارت، گواهی بر قبول اشخاص حقوقی حقوق خصوصی است، چنانچه می‌توانند در قالب غیر تجاری نیز فعالیت کنند. در قانون تجارت به طور روشن یا ضمنی، در مواد ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۱۲۹، ۵۹۲، تبصره ماده ۶۲، ۴۵، ۴۰، ۷۰، ۸۳، ۱۱۵، ۴، ۶، تبصره ماده ۶، ۸، ۷، ۹، ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۷۴، تبصره ماده ۷۴، ماده ۷۵،

ماده ۷۶، ۸۱، ۲۴۸، ۲۷، ۴۴، ۲۳؛ از عناوین مؤسس، مؤسسات تجاری، مؤسسات مالی، مؤسسين شرکت نام برده شده است و بدین ترتیب، نمی‌توان از قواعد حقوقی مذکور که قابلیت تعمیم بر کلیه مؤسسات حقوقی دارد، چشم‌پوشی نمود. همچنین، در مقررات مذکور قسیدی وجود ندارد که مفاد عبارتهای مواد مذکور را به مؤسسات تجاری اختصاص دهد و سایر اشخاص حقوقی در حقوق خصوصی را که در قالبهای دیگری با عناوین انجمن، کانون یا مؤسسه تشکیل می‌شوند؛ از کسری شمول مواد مذکور مستثنا نماید.

۵- قانون آیین دادرسی مدنی در باب هشتم در «داوری» در مواد ۶۳۳-۶۳۲؛ داوری را در دو شکل آن یعنی «داوری یک» یا «چند نفر» یا به عبارت دیگر، داوری هیأتی پذیرفته است. داوری هیأتی، ترکیبی از داوری سه نفر یا بیشتر است که در واقع می‌تواند شامل اشخاص منفرد و یا تشکیل دهنده یک شخص حقوقی باشد و قانونگذار نیز از این باب، منعی ندارد. با توجه به اینکه «شخص حقوقی، موجود اجتماعی و زنده‌ای است که به تجویز قانون و از اجتماع دو یا چند شخص حقیقی ایجاد می‌شود و قانون برای وی شخصیت قانونی و اهلیت مدنی جداگانه‌ای قائل شده است و وجودش منشأ آثار و منبع مستقل و جدا از تشکیل دهندگان و مؤسسين خود بوده و دارای کلیه حقوق و تکالیفی است که قانون برای اشخاص حقیقی شناخته است...»<sup>(۲۰)</sup> بنابراین، مؤسسات داوری به عنوان شخص حقوقی مورد نظر

قانونگذار، از عبارات «هیأت داوری» مستفاد می‌شود. در تأیید مترادف دانستن هیأت داوری با مؤسسه به عنوان تجسم شخص حقوقی، نیز می‌توان از مفاد ماده ۱۲۴۷ قانون مدنی کمک گرفت؛ چنانچه در آنجا عبارتهای هیأت و مؤسسه را همراه با واژه «یا» آورده است که از نظر قانونگذار نمی‌تواند بین هیأت و مؤسسه، تمایزی ماهوی وجود داشته باشد. از مجموع مواد و مقررات مذکور، نظر مساعد قانونگذار نسبت به اشخاص حقوقی و حقوق خصوصی و مؤسسات داوری به طور اعم به دست می‌آید.

مؤسسات داوری برابر قانون داوری تجارت بین الملل، جایگاه ویژه‌ای را در امر داوری به خود اختصاص داده‌اند. تشکیل مؤسسات داوری داخل - با هدف قبول داوری در محدوده اهداف قانونگذار در قانون مذکور - کمک بزرگی در راستای نهادینه شدن داوری در امور تجاری، و نیز عاملی مؤثر در جهت پیشبرد اهداف تجاری مؤسسات و اشخاص حقیقی و روند بهبود و اعتلای اهداف اقتصادی کشور خواهد بود. تعابیر و برداشتهای غلط در امر داوری - بدانگونه که در راه فعالیت مشروع و قانونی مؤسسات داوری که از طریق قانونمند، به ثبت رسیده و در وادی داوری و تسرویح عمومی آن فعالیت دارند - نه تنها کمکی به گسترش داوری و تسرویح عمومی آن نمی‌نماید، بلکه آثار و نتایج زیانباری را نیز به همراه خواهد داشت. فعالیت مستمر مؤسسات داوری در کشور موجب خواهد شد تا همانند کشورهای

دارند (و متأسفانه از حیث قدمت داوری هیچ گونه تشابهی با تاریخ داوری در حقوق ایران ندارند ولی از حیث دستاورد و نتایج، به اهداف امیدوارکننده‌ای نائل شده‌اند)، نظام حقوقی کشور ما نیز بتواند در سایه حمایت مسؤولین و پیشبرد داوری و مؤسسات مربوطه و امر نهادینه کردن آن، در مدتی نه چندان دور به آینده‌ای روشن دست یابد و شاهد آثار مطلوب این امر مقدس باشد.

...در مجموع از پرداخت به مطالب بالا، به این نتیجه می‌رسیم که حل اختلافات بین اقشار مختلف جامعه‌ای که با وجود دستگاههای متعدد و گوناگون انتظامی و قضایی (همچنان به دلیل وجود تسنگهای اداری - سازمانی و بویژه تخلفات و جرایمی که حتی با تشکیل باندهای تبهکاری و ارتکاب جنایتهای بزرگ صورت می‌گیرد) هنوز به آن موفقیتهایی که دستگاههای مسؤول بتوانند با حفظ قداست به امر قضا (به نحو احسن و شایسته و رعایت موازین شرعی، قانونی و حفظ کیان شخصیتی اشخاص) بخوبی از عهده اجرای وظایف خود برآیند، به طور کامل مشاهده نشده است. لذا با وجود قضاات شریف در دستگاه قضایی، همواره به دلیل تراکم کار و گاهی وجود مسائل جانبی و نیز موضوعات مختلف مطرح شده در یک شعبه دادگاه؛ این عدم موفقیت را بیش از پیش ساخته است تا بدانجا که وجود چنین مشغله‌هایی، سبب شده تا خستگی و کسالت عارضی بر کار قضاات در طول مدت دادرسی، نه تنها آثار مطلوبی را حاصل ننماید بلکه گاهی نیز

مشاهده شود که امر دادرسی - حتی بر خلاف نظر قانونگذار و قضاات - صرفاً به جهت دفع و رفع موضوع مطرح شده، به شکل مقطعی انجام پذیرفته باشد. که نمی‌توان از این امور بسادگی گذشت.

پاورقی:

- ۱- فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه منجدالطلاب مترجم محمد بندر ریگی، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی، تهران ۱۳۶۲.
- ۲- همان منبع.
- ۳- فرهنگ فارسی عمید.
- ۴- ترمینولوژی حقوق - دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم - زمستان ۱۳۷۰ - ص ۳۳.
- ۵- مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران، کاتوزیان، ناصر، بهنشر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۶۶، ص ۵۰.
- ۶- مانند اطاق بازرگانی، کانون وکلای دادگستری، کانون سردفتران و سندیکاهای کارگری.
- ۷- همان منبع.
- ۸- حقوق مدنی، امامی، سید حسن، کتابفروشی اسلامی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۵۰.
- ۹- حقوق مدنی یک - در اشخاص، عظیمی، محمد، مؤسسه انتشارات کسری، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۸.
- ۱۰- مواد ۳۱-۸۹.
- ۱۱- مواد ۵۲-۸۹.
- ۱۲- مواد ۵۸۳-۵۹۱.
- ۱۳- حقوق مدنی یک در اشخاص - دکتر محمد عظیمی ص ۱۹۶-۱۱۹۷.
- ۱۴- آشنایی با جنبه‌های حقوقی بازرگانی خارجی، جلد دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۷۱، ص ۱۴۰.
- ۱۵- همان منبع - ص ۱۴۱.
- ۱۶- آشنایی با جنبه‌های حقوقی بازرگانی خارجی، جلد دوم - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۷۱، صص ۱۴۰ - ۱۴۵.
- ۱۷- همان منبع صص ۱۴۲-۱۴۳.
- ۱۸- ماده ۱.
- ۱۹- تبصره ماده ۱.
- ۲۰- کلیات حقوق بازرگانی، رسائی‌نیا، ناصر انتشارات سیار، چاپ دوم، تهران، زمستان ۱۳۷۲، ص ۶۵.

